

## غزل شماره ۱۹۱

آن کیست کز رویِ کرم، با ما وفاداری کند  
بر جای بدکاری چون، یک دم نلوکاری کند

اول به بانگِ نای و نی، آرد به دل پیغام وی  
و آنکه به یک پمانه می، با من وفاداری کند

دلبر که جان فرسود از او، کامِ دلم نکشود از او  
نومید توان بود از او، باشد که دلداری کند

کفتم گره نکشوده ام، زان طره تا من بوده ام  
کفتاش فرموده ام، تا با تو طراری کند

پشمینه پوش تندخو، از عشق تشنیده است بو  
از مستیش رمزی بگو، تا ترک هشیاری کند

چون من کدای بی نشان، مشکل بودیاری چنان  
سلطان کج عیش نمان، بارند بازاری کند؟

زان طره پریچ و خم، سهل است اگر بنم ستم  
از بند و زنجیرش چه غم، هر کس که عیاری کند؟

شد کسکه غم بی عدد، از بخت می خواهم مدد  
تا فخر دین عبد الصمد، باشد که غمخواری کند

با چشم پر نیرنگ او، حافظ مکن آهنگ او  
کان طره شبرنگ او، بسیار طراری کند

## تفسیر فال

به هر کسی اعتماد نکن و راز دل را با او در میان نگذار، زیرا ممکن است تمامی غم‌ها و دردهای دنیا به سادگی به دلت روانه شوند. در این زمانه، دشمنان در حال نیرنگ زدن و فریب دادن هستند؛ بنابراین باید بسیار مراقب باشی و از افرادی که به ظاهر نزدیک به تو می‌نمایند، دوری کنی. به دنبال کسانی بگرد که نه تنها وفادار باشند بلکه بتوانند امید را در دل تو زنده کنند و گره‌های کار تو را باز نمایند. افرادی که در زمان نیاز کنار تو خواهند ماند و نه

اینکه در عین گرفتاری، ترکات کنند. این افراد همچون نور امیدی هستند که می‌توانند تاریکی‌های زندگی را روشن سازند و موجب پیشرفت و موفقیت تو شوند.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)